

جنگ ۳۳ روزه

Thirty-three day war

ناگفته‌های جنگ ۳۳ روزه در گفتگو با سرلشکر حاج قاسم سلیمانی

۱۳۹۸/۰۷/۰۹

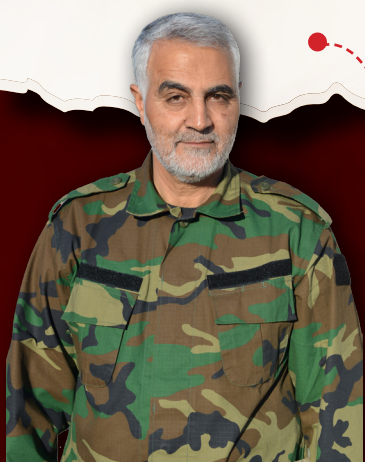
جنگ ۳۳ روزه

در تیرماه ۱۳۸۵ رژیم صهیونیستی جنگ سختی را علیه مردم لبنان آغاز کرد. این جنگ پس از ۳۳ روز مقاومت سلحشوران مردم و حزب‌الله لبنان، با شکست مفتضحانه رژیم غاصب پایان یافت.



بنا بر ملاحظه رهبر انقلاب حضرت آیت‌الله العظمی آية الله العظمى إمام العظمى

• شروع ماجرا (بهانه ظاهری آغاز جنگ)



بعد از اینکه برخلاف تعهدات قبلی، رژیم صهیونیستی ۳ اسیر لبنانی را آزاد نکرد، حزب‌الله به مردم لبنان متعهد شده بود که جوانان زندانی و اسیر لبنانی را از چنگال رژیم صهیونیستی آزاد بکند و راهی نداشت جز اینکه یک اقدامی بکند تا بتواند در اثر آن، یک تبادل را انجام بدهد، بر این مبنا یک عملیات ویژه‌ای صورت گرفت که فرمانده آن شهید عماد مغنیه بود، او موفق شد و توانست در داخل سرزمین فلسطین اشغالی، یک ماشین نظامی رژیم صهیونیستی را مورد حمله قرار بدهد و دو نفر را از داخل آن که زخمی شده بودند، به اسارت بگیرد.

عکس‌العمل رژیم صهیونیستی

بدهند، آن را یکجا به اجرا گذاشتند، بنابراین جنگ به سرعت به یک جنگ کامل تبدیل شد و مثل یک انبار وسیع باروت و مواد منفجره‌ای که با یک قتیله ناگهان منفجر می‌شود، جنگ شعله‌ور شد.

• جنگ طراحی شده (علت واقعی و پنهان جنگ)

تقریباً اواخر جنگ بود که به صورت اطلاعاتی به این رسیدیم که دشمن طرحی از قبل آماده داشته و بنا بود جنگی با سرعت و با غافلگیری انجام بشود و در آن غافلگیری، حزب‌الله منهدم بشود. رژیم صهیونیستی می‌خواست از این موضوع [شرایط مساعد منطقه] بهره ببرد و فکر می‌کرد این بهترین فرصت برای یک جنگ برق‌آسا است.

دیدار با مقام معظم رهبری

غافلگیری کامل به اجرا بگذارد و حزب‌الله را در غافلگیری نابود کند. عمل حزب‌الله در گرفتن این دو اسیر، آن غافلگیری را به هم زد.» در آخر هم فرمودند: «به اینها بگویند دعای جوشن صغیر را بخوانند.»



بازگشت به لبنان

به لبنان برگشتم و ماجرا را به سید توضیح دادم و او هم خیلی خوشحال شد. به سرعت موضوع اول که «نتیجه این جنگ، همانند پیروزی جنگ خندق خواهد بود؛ و اگرچه سختی‌های زیادی دارد، اما پیروزی بزرگی حاصل می‌شود» از قول رهبر معظم انقلاب در بین همه مجاهدین منتشر شد. این تحلیل که «دشمن از قبل یک طرح حمله داشته است» مبنای اصلی عملیات سید در توجیه افکار عمومی و توجه دادن افکار عمومی به نیت دشمن شد. موضوع سوم هم مسئله دعای جوشن صغیر رایج شد... و تلویزیون المنار به شکل مرتب آن را با یک صوت زیبا و حزین پخش می‌کرد.

• ابتکار عماد مغنیه

روزهای بیستم تا بیست‌وهفتم و بیست‌وهشتم روزهای سختی بود؛ من و عماد از هم جدا شدیم، سید در نقطه دیگری بود و ما شب‌ها باهم جلسه داشتیم... عماد یک ابتکار مهم انجام داد، این ابتکار که آن اندازه اهمیت داشت، نامه مجاهدین در خطوط مقدم یا خطوط مواجهه با دشمن در زیر آتش دشمن خطاب به سید حسن بود. نامه عجیبی بود؛ یعنی آن روز وقتی نامه قرائت می‌شد، عماد که خودش طراح بود با صدای بلند می‌گریست و من ندیدم کسی این نامه را بشنود و نگیرد.



از آن مهم‌تر جواب سید بود، بیان این نوشته‌ها اثر فوق‌العاده‌ای گذاشت و انرژی بسیار بالایی را ایجاد کرد. از روز بیست‌وهشتم، روند جنگ بالعکس شد.

شکست و تغییر استراتژی

آقای حمد آل خلیفه وزیر خارجه بود. او در سازمان ملل بود و وساطت می‌کرد و می‌آمد لبنان و می‌رفت. او بعداً نقل کرد و گفت «در آن روزها آمریکایی‌ها ابداً اجازه نمی‌دادند بحث توقف جنگ مطرح بشود. من ناامید شدم؛ رفتم در خانه خودم استراحت کنم که دیدم ناگهان سفیر اسرائیل در سازمان ملل سراسیمه آمد دنبال من. با عجله و با نگرانی به من گفت که کجا هستی؟ گفتم مگر چیز جدیدی شده؟ گفت برویم سازمان ملل. آمدم دیدم این جان بولتون خبیث خیلی نگران و مضطرب دارد قدم می‌زند. هر دوی به من گفتند الان باید جنگ متوقف بشود. گفتم چرا؟ گفتند اگر جنگ متوقف نشود، ارتش اسرائیل از هم می‌پاشد و متلاشی می‌شود.» لذا اسرائیلی‌ها همه شرط قبلی خودشان را نادیده گرفتند و از آنها عبور کردند و مجبور شدند شروط حزب‌الله را قبول بکنند و آتش بس را بپذیرند. بعد از جنگ ۳۳ روزه، راهبرد رژیم صهیونیستی، از استراتژی بن‌گوریون در جنگ پیش‌دستانه و هجومی، آرام‌آرام به استراتژی دفاعی تبدیل شد.